

سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه علم و فناوری در چین

سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه علم و فناوری در چین امروز

دکتر فریدون وردی نژاد

عضو هیات علمی دانشگاه تهران

مقدمه

با توجه به اهمیت نیروی انسانی و مزیت رقابتی بالای آن در ایران و نیز محوریت این بخش در ارتباط با جهان خارج و جذابیت بازار ایران برای بسیاری از کشورها، ایجاد یک ساختار اعتماد آفرین در بنیان‌های علمی، تحقیقی و پژوهشی که در برگیرنده منافع پایه‌ای کشور باشد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌شود. اما سؤال اصلی این است که توسعه ایران در راستای سند چشم‌انداز 20 ساله کشور، چگونه و با چه ویژگی‌هایی باید دنبال شود و آیا تجربیات و دستاوردهای علمی و آموزشی سایر کشورها می‌تواند حاوی آموزه‌های عملی برای ایران باشد و آیا ایران قادر است از تجربیات، دستاوردها و آموزه‌های سایر ملل جهان درس‌های ارزشمندی بیاموزد یا خیر؟

بدیهی است در هر کشوری «راه توسعه» و رسیدن به «آرزوهای ملی»، با عبور از تنگناهای فراوان و توجه به بسترها، ارزشها و داشته‌های بومی و ملی ممکن و مقدور است. بر این اساس شاید نتوان گفت که الگوی سایر کشورها در مدار توسعه ایران قابل پیاده‌سازی یا کپی برداری است، اما بهره‌گیری از تجربه‌های آن کشورها، مرور اشتباهات و انحرافات آنها و نگرش جامع‌بر، داشته‌ها و مقدرات و شیوه‌های موفقیت سایر ملت‌ها می‌تواند درس‌های آموزنده‌ای برای مسیر توسعه پر فراز و نشیب ایران باشد.

متن

چین امروز، با چین دیروز فاصله‌های معنی‌دار پیدا کرده است. در این کشور، پیشبرد اصلاحات اقتصادی و تداوم و تکمیل سیاست درهای باز، حفظ ثبات و آرامش سیاسی و اجتماعی، همراه با توسعه وحدت و یکپارچگی ملی، وظیفه‌ای همگانی محسوب می‌شود. این اصل از ابتدای سال 1978 که اصلاحات اقتصادی آغاز شد تا به امروز، محور تغییرات ساختاری و جوهری چین بوده است و چینی‌ها آن را به عنوان "اصلاحات اقتصادی و سیاست درهای باز بر مدار اقتدار سیاسی و امنیتی" می‌خوانند. اصلاحات عمل‌گرایانه دوده گذشته، سیاست درهای باز و توسعه تجارت خارجی هیچ‌گاه چینی‌ها را از توجه به اهداف و مصالح ملی غافل نکرده و رشد اقتصادی چین شتاب کنترل شده‌ای، بر بستر راهبردها داشته است. نظارت دولتی بر آموزش و پژوهش و تدوین برنامه‌های توسعه‌ای، پس از دوده همچنان از سوی حزب تمرکزگرای چین اعمال می‌شود و برنامه‌های اقتصادی بخش خصوصی هنوز نتوانسته است که این انحصار را بشکند. البته این تمرکز و نظارت، به گونه‌ای استادانه تعبیه شده است که مزاحمت عمده‌ای برای سیاست اصلاحات و درهای باز ایجاد نکند. دولت چین تا کنون موفق شده است با استفاده از فناوری نوین، سرمایه و دانش فنی و مدیریت خارجی و اصلاح مقررات داخلی کشور، از طریق سیاست‌های تشویقی و اعمال تسهیلات ویژه، توان علمی، آموزشی، پژوهشی و تحقیقاتی را در قالب سرمایه‌های شگفت‌انگیز به چین سرازیر کند.

این حرکت که حاصل دوراندیشی و نکاویت چینی است، زمینه‌های پرورش نسل جدید مدیران چین را فراهم آورده و چین امروز را به کارخانه دنیا مبدل کرده است؛ به گونه‌ای که مسابقه‌ای همه‌جانبه برای حضور و جایابی در این اقتصاد، میان تولیدگران و کارآفرینان جهان شکل گرفته است.

سابقه:

پس از انقلاب 1949 و حاکمیت کمونیست‌ها بر این کشور و با عبور از سالهای نخستین انقلاب، همواره دو جناح قدرت در حزب کمونیست چین ظرفیت‌های ملی را به صورت مشارکتی اداره کرده و در رهبری این کشور به بحث‌های جدی پرداخته‌اند. در یکی دو دهه نخست انقلاب، این مباحث تحت تأثیر مائوتسه‌دونگ و یاران او از رنگ و بوی چندانی برخوردار نبود اما همواره سؤالاتی نظیر پرسش‌های زیر در میان نخبگان و کادرهای حزبی جریان داشت:

1- آیا اقتصاد دولتی و گسترش بدنه دولت به نفع مردم چین است یا خیر؟

2- عنصر ناکارآمدی در بدنه دولت را چه باید کرد؟

3- تورم نیروی انسانی آموزش ندیده و سنتی در ساختار اقتصادی دولت چه هزینه‌ای را به اقتصاد چین تحمیل می‌کند؟

4- چرا بهره‌وری نیروی انسانی در اقتصاد چین پائین است؟

5- چگونه باید فناوری فرسوده چین را با تکنولوژی و مدیریت روز آمد اصلاح کرد؟
6- مدیریت ، سرمایه ، اطلاعات و توانایی‌های چینی‌های ماوراء بحار و سایر ملت‌ها را چگونه می‌توان به پکن متصل نمود؟
چین جدید:

ماجرا از دهه 80 و با قدرت‌گیری بیشتر جناح عملگرا و اصلاح طلب خسته از انقلاب فرهنگی (76- 66 میلادی) وارد مدار جدیدی شد و تفکر عمل‌گرایانه بجای تفکر ایدئولوژیک و جهان‌سنیز،گفتمان غالب جامعه گردید .
در این مرحله ، باشعارهاو گفتمان دوران دگرذیسی، سیاستهای آرمانی به سیاستهای ملی تغییر یافت و تحولات ساختاری و جوهری آغاز شد .
این شعارها عبارت بودند از :

- 1- ساختن چین بزرگ ، مرفه و پیشرو و وظیفه‌ای همگانی است .
- 2- رفاه عمومی و توسعه صلح و وظیفه حزب و دولتمردان است .
- 3- همه قشرهای اجتماعی با رهبری حزب باید در سیاست درهای بارز و توسعه اقتصادی مشارکت نمایند .
- 4- دوستی با همه کشورها و حل و فصل مسایل با همسایگان سرلوحه حرکت سیاستمداران خواهد بود .
- 5- عقلانیت جمعی و استفاده از همه توانها در تصمیم‌سازی برای همگانی کردن فرهنگ توسعه ضروری است .
- 6- تولید انبوه با حداقل هزینه ، قیمت ارزان و تصرف بازارهای گوناگون هدف بخش‌های تولیدی و تجاری خواهد بود .

سیاست خارجی :

در سیاست خارجی ، جمهوری خلق چین اصول پایداری را در مدار سیاست خارجی خود قرار داد و آن را 5 اصل همزیستی مسالمت‌آمیز خواند :

- 1- احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها
 - 2- عدم تجاوز
 - 3- عدم مداخله در امور دیگران
 - 4- برابری و نفع متقابل
 - 5- همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر کشورها
- بر این اساس ، چین بر صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی ، پرهیز از هر گونه تنش با همسایگان و قدرت‌های مهم و اصرار بر حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشات و اجتناب از هر گونه رقابت و مسابقه برای تعریف حوزه نفوذ و قدرت روی آورد .
چین در دو دهه گذشته ، با بهره‌گیری مناسب از فضای « جنگ سرد » و رقابت ابر قدرت‌های آن دوران ، امکانات بین‌المللی را در اختیار اقتصاد فرسوده خود قرار داد و با استفاده از کاتالیزوری مناسب به نام « چینی‌های ماوراء بحار » ، استراتژی توسعه اقتصادی و ارتقاء موقعیت بین‌المللی خود را پی گرفت .
در این راستا ، حزب کمونیست با کنار گذاردن آرمان‌نگرایی مبتنی بر تفکرات حزبی و سوسیالیستی در روابط بین‌المللی ، تمرکز بر تأمین منافع ملی و پرهیز از مواضع پرهزینه را برگزید .

سازماندهی نیروی انسانی:

دولت چین در سالهای آغازین حرکت با تشکیل " وزارت چینی‌های ماوراء بحار" و دهها سازمان و نهاد نیمه دولتی در قالب بخش ارتباطات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود را با چینی‌های مهاجر و نخبگان کارآزموده آن سوي (NGO خصوصی و مردمی) مرزها برقرار کرد.

China دستاورد این حرکت، تماس سازمان یافته با چینی‌های متخصص، نیروهای کارآمد و صاحب تجربه ساکن در شهرک‌های چینی(در سراسر جهان بود که در پرتو این سیاست و جذب نخبگان چینی از سایر نقاط جهان، زمینه بهره‌برداری از 30میلیون Town چینی‌کاران و آموزش دیده و مجرب آن سوي مرزها فراهم شد.

این حرکت توانست به تعاملی دوسویه و موفق تبدیل شود و مدیریت، ارتباطات، اطلاعات، مهارت و سرمایه چینی‌های خارج‌نشین را به بازار چین وارد سازد.

به‌دنبال حضور گسترده چینی‌های مقیم خارج، شرکت‌های بزرگ و کمپانی‌های بین‌المللی تشویق شدند که سرمایه‌های خود را به چین منتقل کنند و امروزه این شبکه به " حلقه اتصال چین با دنیای صنعتی و کشورهای غربی" تبدیل شده‌است.

توانایی‌های برشمرده، موجب شد که اقتصاد چین از جایگاه برجسته‌ای برخوردار شود و دولت این کشور توانسته است با استفاده از

پول، سرمایه، مدیریت و تجربه دیگران، اقتصاد خود را توانتر و پویاتر سازد. اتخاذ این سیاست‌ها حاصل ارزیابی واقعه‌گرایانه از توان و قدرت پکن و اجتناب از سیاست‌های شتابزده، سریع الوصول و زود بازده بود.

بنابراین، روشن است که برگزیدن سیاست‌های هدفمند و برنامه ریزی شده در حوزه‌های علوم، فناوری، تحقیقات و پژوهش، شرایط رو به رشد و پیشرفت چین را فراهم ساخته و شاید بتوان گفت برگزاری المپیک 2008 پکن نقطه عطف دیگری در گذار چین از «دوران سنتی» به «دوران مدرن و صنعتی» نوین خواهد بود.

واقع‌گرایی حزب کمونیست چین، خطر پذیری و بی‌باکی دنگ شیائونینگ و فشارهای اقتصادی سه عامل اصلی برای گذار چین از قطعه (79-49 میلادی) بود که به «دوره اول چین» مشهور است و الگوی توسعه چین در آن دوران اتحاد جماهیر شوروی بود. ژانویه 1979 در تاریخ چین نقطه عطفی تاریخ ساز محسوب می‌شود و سفر دنگ به ایالات متحده و انعقاد قراردادهای همکاری علمی، آموزشی و فنی دو جانبه، پیوندهای نوینی برای انتقال تجارب علمی جهان به چین فراهم کرد. در این مرحله ده‌ها هزار چینی در قالب تیم‌های آموزشی و کاری و تحصیلی به خارج رفتند و سلسله‌ای از دانشمندان و مدیران و مهندسان نو اندیش چینی پدیدار شد.

از نظر اجرایی، در فاصله سالهای 84 تا 95 میلادی مناطق ویژه اقتصادی و پارکهای فناوری و تحقیقاتی دنبال گردید و طرح‌های آموزشی و پژوهشی ویژه‌ای به اجرا گذارده شد.

مهمترین برنامه‌های آموزشی، پژوهشی

1- برنامه مشعل:

(High Tech) یکی از طرح‌های مهم دولت چین برنامه مشعل بود (1998) که در قالب آن چین حدود 50 منطقه توسعه فناوری (در مناطق و نواحی ایجاد کرد. با راه اندازی این مناطق که به پارک های علم و فناوری مشهور شدند، امکانات دولتی در اختیار مراکز علمی و دانشگاهی قرار گرفت و دانشگاه‌ها به صنعت متصل گردید. با اجرای این طرح دانشگاه‌ها فرصت پیدا کردند تا از نزدیک با شرکت‌ها و صنایع بزرگ تعامل پیدا کرده و طرح‌های مشترک پایه و تحقیقات کاربردی در دستور کار آنان قرار گیرد. دولت‌های محلی هم موظف شدند تا ضمن پشتیبانی از این مراکز علمی و تحقیقاتی تسهیلات محلی را در اختیار آنان قرار دهند. این برنامه در سالهای نخست با سرعت چندان دلگرم‌کننده‌ای همراه نبود، اما با آشنایی بیشتر و تعامل موثر تر میان صنعت و دانشگاه شتاب کارها بیشتر شد و نتایج ملموس و دلگرم‌کننده‌ای حاصل آمد. دولت مرکزی هم با ایجاد ستاد هماهنگی میان وزارت خانه‌های آموزش و صنایع و ایجاد کمیسیون‌های ویژه دولتی بر این همکاری نظارت داشت و هماهنگی‌های ستادی و پشتیبانی‌های دولتی و اعتباری را تسهیل نمود. یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت مرکزی اعطای اختیارات بیشتر به مناطق و دولت‌های محلی بود تا پارک‌های علم و فناوری بیش از پیش از منابع و امکانات منطقه‌ای و محلی برخوردار شوند و رقابتی هم میان استان‌ها و مناطق شکل بگیرد. علاوه بر این، هیات وزیران با تصویب معافیت‌های مالیاتی و وام‌های تسهیلاتی برای شرکت‌های بزرگ، به تشویق آنان برای حضور در مناطق و پارک‌های علم و فناوری همت گماشت. نتیجه این حرکت هوشمندانه آفرینش یک محیط همکاری علمی و عملی بود که مشعل هدایتگر و روشن‌کننده مسیر صنعت و دانشگاه گردید و پرونده پارک‌های علم و فناوری را مشحون از موفقیت نمود.

2- برنامه موسوم به 863:

برنامه 863 شامل اولویت‌های استراتژیک در عرصه اقتصاد بود، در چارچوب این طرح تسهیلات و ردیف‌های بودجه دولتی به سمت اولویت‌های علمی و آموزشی متمایل گشت. کمیسیون علوم و فنون که متشکل از وزارتخانه‌ها و مراکز علمی و صنعتی و فناوری بود مهمترین عرصه‌های ملی علم و فناوری را گوشزد نمود و با زمان بندی معین و به ترتیب نیازهای ملی، بخش‌های اقتصادی و علمی را تعیین کرد. در این راستا صنایعی نظیر فناوری اطلاعات و ارتباطات، لیزر، فناوری علوم دریایی و فضایی و بیوتکنولوژی و مواد آلی و فناوری خودرو در اولویت قرار گرفتند. بر اساس این راهبرد، تمامی مراکز دولتی، از جمله نمایندگی‌های خارج از کشور موظف به همکاری در این برنامه شدند و تسهیلات دولتی و اعتبارات بانکی در این مسیر فرار گرفت. بر اساس برنامه 863 مقرر گردید که تمامی مراکز پژوهشی و دایره‌های علوم دقیقه نظامی و غیر نظامی با مراکز علمی و آموزشی خارج از کشور تماس برقرار کرده و به هر شیوه ممکن در دستیابی به علوم مورد نظر و اولویت‌های تعیین شده کوشا باشند. بنابراین تعداد زیادی دانشجو در قالب بورس‌های مستقیم و غیر مستقیم دولتی به خارج اعزام شدند و وزارت چینی‌های ماورای بحار مأموریت یافت که با چینی‌های مقیم خارج به ویژه با کسانی که در رشته‌های تعیین شده و اولویت‌های استراتژیک فعال هستند تماس حاصل کرده و آنان را به کشور خود دعوت نماید. این حرکت موجب گردید تا دستاوردهای علمی و فناوری نوین کشورهای غربی و صنعتی

به سوی چین متمایل گردد.

3- برنامه صاعقه :

دولت چین علاوه بر بخش صنعت ، توجه ویژه ای هم به بخش کشاورزی داشت، زیرا کشاورزی در جمهوری خلق چین و در جنوب شرق آسیا همواره از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. بر این اساس، « توسعه روستایی » چین هم از اولویت ها محسوب می شد و برنامه صاعقه برای سازماندهی رشد و توسعه کشاورزی و خود کفایی تولیدات کشاورزی در دستور قرار گرفت. این برنامه از سال 1985 میلادی به برنامه ای ملی تبدیل شد تا از طریق پیشرفت علوم و فناوری تولید کشاورزی به یاری روستاییان و کشاورزان بپردازند. برنامه صاعقه با دو هدف اصلی که عبارت بود از آموزش دهقانان و کشاورزان و همگانی کردن علوم کشاورزی آغاز گردید و تمامی دستگاه ها و وزارتخانه های مرتبط در قالب برنامه صاعقه هماهنگ شدند. برنامه صاعقه علوم کشاورزی مکانیزه و تولید انبوه محصولات استراتژیک را در نوک پیکان کار قرار داد و با آموزش عمومی روستاییان و همگانی کردن علوم کشاورزی مکانیزه در طول برنامه توفیقات زیادی بدست آمد و امروزه چین یکی از مدعیان عرصه علوم کشاورزی است.

4- برنامه اشاعه علوم و تکنولوژی:

با توجه به ساختار حکومتی و فرهنگ چینی ، شرکت های بزرگ و دولتی چین نقش اساسی و پایه ای در توسعه و رشد علم و فناوری داشته اند. چینی ها با طراحی و اجرای برنامه ای دولتی، با نام " برنامه اشاعه علوم و تکنولوژی " به حمایت از مراکز و شرکت های دولتی پرداختند و توسعه علمی و فنی در عرصه های تجاری و اقتصادی را دنبال نمودند. این برنامه که از سال 1980 میلادی ابلاغ و پیگیری شد کوشید تا دستاوردها و تجربیات مدیران آموزش دیده و چینی های ماوراء بحار را در اختیار مدیران سنتی شرکت های دولتی قرار دهد و فاصله علمی و تجربی نسل اول و دوم مدیران را کم کند. با اجرای این برنامه ویژه مدیران مورد اعتماد میانسال شرکت های معظم چینی که معمولاً صاحب منصبان حزبی بودند باید در طی برنامه مشخصی خود را با علوم جدید به ویژه مدیریت نوین و کارآمد و اثر بخش آشنا کرده و در آزمون های دوره ای اتمه لازم را کسب نمایند. نقش چینی های مهاجر و خارج نشین در آشنا کردن مردان صنعتی حزب کمونیست و مدیران شرکت های مادر چینی بر کسی پوشیده نیست و مدیرانی که در برابر اشاعه مدیریت و تکنولوژی مقاومت می کردند از گردونه قدرت خارج می شدند.

5- برنامه ملی توسعه اولویت های تحقیقات بنیادین :

با تداوم رشد و توسعه چین نو و بهتر شدن روند تولیدات صنعتی و توسعه صادرات ، توجه به بازار و مشتری و تحقیق و در دستور چینی ها قرار گرفت. برنامه ملی توسعه اولویت های تحقیقات بنیادین بر اساس این نیاز در اواخر دهه 90 (R&D توسعه) میلادی در دستور قرار گرفت. این برنامه از سال 1997 به بعد استراتژی های چند وجهی برای توسعه پژوهش و تحقیقات در علوم پایه را هدف قرار داد و به تشویق مادی و معنوی در حوزه های مختلف پرداخت. برنامه ملی تحقیقات بنیادین به عرصه های اقتصاد ، انرژی و بهداشت توجه ویژه ای نمود و تمامی مراکز دولتی و نیمه دولتی پژوهشی با اولویت بندی عرصه های فناوری نوین در چارچوب کمیسیون خاص با نام " کمیسیون توسعه و اصلاحات " سازماندهی شدند. نتایج بررسی ها و پژوهش های این برنامه به تغییرات وسیع در ساختار های دولتی انجامید و انحلال وزارت نفت و سپردن وظایف این وزارت خانه به چند شرکت بزرگ نفتی از آن جمله است. امروزه در چین نقش مراکز تحقیقاتی مهم قلمداد می شود و پژوهش های بنیادین مورد توجه جدی می باشد و بسیاری از کمپانی های خارجی و بین المللی هم مراکز تحقیقاتی خود را در چین مستقر کرده اند.

6- برنامه تولیدات جدید ملی :

بدنبال گسترش مناسبات تجاری و اقتصادی چین با جهان خارج ، همکاری های تکنولوژیک و علمی نیز رشد روز افزونی داشته است. در این مسیر توجه به استاندارد های بین المللی و برند های جهانی در دستور قرار گرفته و برنامه هایی در جهت پیشگیری از تولیدات غیر استاندارد و کپی کاری های غیر قانونی دنبال شده است. اجرای برنامه تولیدات جدید ملی ، علاوه بر آنکه رعایت استانداردهای جهانی را مد نظر قرار داده است، زمینه ساز توجه بخش های علمی به تولیدات نوین و اختراعات تازه است. بر اساس این برنامه ملی ، مالکیت فکری و ثبت اختراعات و فناوری های بالا با حفظ حقوق مخترعان ، مکتشفان و پدید آورندگان مورد رعایت قرار گرفته و حمایت معنوی و قانونی از دانشمندان چینی و شرکای خارجی آنها به عمل می آید. نتیجه عملی اجرای این برنامه ها فراهم سازی زمینه ها و زیر ساخت های توسعه ای بود که امکان تحقق رشد و توسعه بومی چین را فراهم آورد.

در این مسیر، اصلاحات نهادی و قانونی در بخش های مختلف دولتی به شکلی وسیع و همه جانبه صورت گرفت و این اصلاحات در چارچوب مکانیزم اجرایی رشد چینی همچنان ادامه دارد .

بر این اساس، میزان سرمایه های خارجی تزریق شده در آموزش، پژوهش و پارک های صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی در دو دهه

گذشته، از مرز 650 میلیارد دلار گذشته است و به عنوان مثال فقط در سال 2005 مبلغی نزدیک به 65 میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی در چین تحقق یافته‌است.

با پدید آمدن چنین شرایطی، دگر دیسی معناداری در مدیریت، کنترل، برنامه‌ریزی و هدایت چین به وجود آمده‌است و نسل نوینی از مدیران در کنار قله‌های ثروت در شرکت‌های بزرگ با شرکای خارجی ظهور کرده‌اند.

نتیجه‌گیری:

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که آنچه امروز چین را به «کارخانه دنیا» تبدیل کرده و به توسعه سریع علوم و فناوری و جهانی شدن این اقتصاد انجامیده است، شناخت همه جانبه و دقیق تحولات اقتصادی دنیا و بهره‌گیری مناسب و بهنگام از امکانات آموزشی و تجربی سایر ملل است.

این تعامل با همکاری مدیریت هوشمند و ساختار یافته حزبی و توانایی‌های مدیریتی، ارتباطاتی، سرمایه‌ای و اطلاعاتی چینی‌های ماوراء بحار حاصل شده است.

به همین دلیل رهبریت و مدیریت کارآمد چین قادر شده است با فراهم ساختن زیر ساخت‌های لازم و جذب چینی‌های آن سوی آب‌ها، شرکت‌های چند ملیتی و صاحبان سرمایه و کارآفرینان پرتجربه را به کناره‌های دیوار چین علاقه‌مند سازد. پس باید گفت، توان رقابتی چین امروز منکی بر توانایی‌های بسیاری است که از جمله می‌توان بر توسعه هدفمند و برنامه‌ریزی شده، گسترش مراکز تحقیق و توسعه، همسان سازی قوانین و مقررات با تحولات عرصه تولید و تجارت جهانی، دیپلماسی اقتصادی فعال و تولید متناسب با نیازهای مشتری اشاره نمود.

این الگو توانسته است "رشد اقتصادی" چین را تضمین نماید و کشورآزدهای بیدار را در آستانه «توسعه همه جانبه اقتصادی» و پذیرش نقش‌های جدید بین‌المللی قرار دهد.

بنابراین در چنین شرایطی ایران می‌تواند در بخش اقتصادی و تجاری از تجربیات این کشور بهره مند شود. بویژه آنکه امروزه، فضای سیاسی جوامع تحت تاثیر نظرات نخبگان شکل می‌گیرد و مردم عادی در آن نقش چندانی ندارند. براین اساس مناسب به نظر می‌رسد که نقش خبرگان و نخبگان و تشکلات ساختاریافته، برای ارتباط با این کشور بسیار جدی تر از گذشته تلقی شود. از سوی دیگر از آنجایی که در جمهوری خلق چین، التهاب، افراطی‌گری و عواطف و احساسات سیاسی و اجتماعی کمتر به چشم می‌خورد و احساسات ملی در پرتو تلاش نخبگان و هدایت دولت در جهت رشد و توسعه با شاخص‌هایی عقلایی و سود محور همگانی شده است، ایران به راحتی قادر است همانند چین شبکه‌ای مشابه از نخبگان تاثیرگذار را مورد توجه قرار دهد و از همراهی آنان در روند توسعه کشور بهره برد. این روند کارآمد موجب خواهد شد تا دولت با هدایت، کنترل و بومی کردن (لوکالیزه کردن) بحران‌ها و شوک‌های وارده، از تسری پس لرزه‌های اجتماعی و اقتصادی به لایه‌های روئین و متن جامعه پیشگیری کند.

تجربه دیگر چینی‌ها این است که در عرصه روابط خارجی، نخبگان صاحب درایت، هوشمندی، شهامت و نوآوری را بکار گرفته و سیاست خارجی را تابعی از جو داخلی و توده‌های نکرده‌اند، براین اساس به طور همزمان شاهد نوعی از "آرمان‌خواهی موعود" و "واقع‌گرایی موجود" در جامعه چین هستیم که تداخل و تزامن چندانی با همدیگر ندارند. شاید این الگو هم بتواند با تغییراتی در جامعه در حال توسعه ایران آزمون شود و آرای نخبگان و بنگاه داران بخش خصوصی هم در مدار سیاست خارجی دیده شود.

....سخن آخر آنکه، عملگرایی، هدفمندی و محوریت منافع ملی، عناصر اصلی تصمیم‌گیری در چین امروز است و "عقل جمعی" حاکمیت قابل توجهی در هسته‌های تصمیم‌سازی دارد و شایسته‌سالاری و نخبه پروری و زایش ایده‌های نو در آحاد این جامعه عظیم به طور روزافزونی نهادینه می‌شود، آیا ما هم توانسته ایم چنین کنیم؟ شاید..... امید است این تجربیات و ایده‌های امتحان شده، انگشت اشاره‌ای برای بومی سازی و آزمون در مسیر پرفراز و نشیب توسعه ایران عزیز باشد.

ان شاء الله

منابع:

- 1.Ministry of Information Industry of People`s Republic of China- Economic Cooperation Department .
- 2.China Semiconductor Industry Association (CSIA) – www.csia.net.cn

.3The Chines Peoples Institute of Foreign

.4High Level Meeting of Pivotal Partners for South- South and Triangular Cooperation

by Robert G. Sutter, Rowman & Littlefield publishers,2005" 5. China,s Rise In Asia: Promises And Perlis .

.6China,s New Nationalism: Pride, Politics, and Diplomacy Gries , by peter Hays, University of California press,2005.

7 . چاينادىلى ، 23 و 2003/12/29 و 2004/1/13

8 . بيجينگ رى وى يو ، 2005/1/15

"China Enhance Global Status" معاون مدير كل موسسه مطالعات بين الملل چين تحت عنوان "Ruan Zongje" 9. مقاله آقاي

معاون موسسه امور خارجه چين Liu Baolai 10. مقاله آقاي

"Diplomacy of Foreign Dignity"